

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Social

اجتماعی

موسوی

۲۱ اکتوبر ۲۰۱۵

پاسخ به سوال "گوه سر چوبک" چیست؟

از همان نخستین روزهای نشر مقاله مختصرم تحت عنوان "هاشمیان" تجسم کاملی از یک "نادان پرمدها و..." که در قسمتی از آن نوشته بودم کس و یا کسانی از سایتک پرچی زاده رسوا با تحریکات مستقیم و یا هم غیر مستقیم اداره مستعمراتی کابل و وزیر اطلاعات و کلتورش "باری جهانی" از وی "گوه سر چوبک" ساخته به جنگ دیگران می فرستند، تنی چند از خوانندگان عزیز، بارها و به تکرار پرسیده اند، که "گوه سرچوبک" چیست؟ همچنین برخی از خوانندگان عزیز پورتال، با ستایش از سبک کار استاد سخن "معروفی صاحب" که هر اصطلاحی را با تفصیل توضیح می دارند، ضمن انتقاد از این قلم، به نحوی تذکار داده اند که اگر خود این اصطلاح را باز نکنم، آنها از "معروفی صاحب" خواهند خواست تا آن را توضیح بدارند.

در پاسخ به مقایسه این جمع از خوانندگان عزیز باید بنگارم:

شناختم از خودم به آن حدی است که بدانم خود را با چه کسی و در چه موردی می توانم مقایسه کنم و در کدام مواردی نه حق آن را دارم و نه هم توان آن را. با بسیار صراحت می نویسم که در بخش ادب و مطالب مربوط به ادب و فرهنگ همان طوری که بارها نگاشته ام، آقای "معروفی" یکی از استادان مسلم این رشته بوده بیشتر از تمام دوران تحصیل از ایشان آموخته ام به همین اساس هیچ گاهی به خود حق نمی دهم تا من باب مقایسه با ایشان کاری را رویدست بگیرم؛ عکس آن جای بسا افتخار خواهد بود تا ثابت قدم در مسیر ادبی آنها گام گذاشته بتوانم. و اما به ارتباط آن اصطلاح:

در قدیم یعنی آن گاهی که اطفال و نوجوانان و حتا در برخی از موارد جوانان برای تفریح و سرگرمی خود امکان دیگری نمی یافتند، تلاش می کردند تا با نوعی از مردم آزاری، فضای خنده برای خود و گاهی هم تحقیر این و آن را فراهم بسازند، یکی از آن موارد همین مسأله "گوه سرچوبک" بود. و آنهم بدین شکل:

افراد کوشش می کردند تا یکی از بچه ها و یا هم نوجوانانی را که در شرایط عادی، بازیچه و مسخره هرکسی می توانست باشد و هیچ گاهی توانائی آن را نداشته باشد تا با دیگران خود را طرف سازد، پیدا نموده یک شاخه چوب را که یک سر آن به "گوه" آلوده بود به دستش داده و از وی بخواهند تا با آن چوب فرد دیگری را بزند.

مسلم است که در این بازی نه کسی از چوب می ترسید و نه هم چوبدار، مگر هیچ کسی حاضر نبود تا لباسش با چوب آلوده گردد، به همین اساس هرکس از مقابل چوب آلوده فرار می نمود. به این وسیله گذشته از آن که آن آدمک رویه رفته

حقیر که با چوب آلوده، دیگران را به فرار وادار می ساخت، دلش خوش می شد، گردانندگان اصلی ماجرا که زمینه ای برای خندیدن و حتا تمسخر برخی به وجود می آوردند، از کارشان لذت می بردند.

وقتی این قلم اصطلاح فوق را در مورد "هاشمیان" به کار بردم به نیکوئی می دانستم و می دانم که اگر نقش تحریکات دیگران در میان نمی بود و آنها از این آدم خرفت "گوه سرچوبک" نمی ساختند، خودش به تنهایی اگر به جای چرب کردن پیشانی، سرش را ده ها بار در "تیل سیاه" داخل کرده، دو صد تعویذ و شویست ملا "عمر" و سناتور "مک کارتی" را نیز بر گردنش می آویختند، جرأت این را نداشت تا با هیچ یک از ما به خصوص آقایان "معروفی" و "سدید" و سایر همکاران قلمی پورتال "افغانستان آزاد-آزاد افغانستان" که هر یک قادر است با قلم توانمندش افرادی در سطح وسیع "هاشمان" را به ده ها بار دفن ادبی نماید، خود را مقابل نماید.

گردانندگان پشت پرده این درامه که نه خود آبرو دارند و نه هم "هاشمیان" بی آبرو برایشان اهمیتی دارد، در این تحریکات خود یک چیز را به درستی نمی توانستند درک نمایند و آنها عکس العمل خلاف انتظار همکاران قلمی پورتال من جمله این قلم. آنها حدس زده بودند که به مجرد ورود شخص و انسان بی آزرمی مانند "هاشمیان" که در دیده درائی و بهتان زنی از شاگردان نخبه مکتب "مک کارتیزم" به شمار می رود، در این میدان؛ ما همه فرار کرده میدان را برای این "سگ هر سوار" رها خواهیم نمود، آنها نمی خواستند بدانند که در این جمع کسانی وجود دارد که می داند، آلودگی لباس ناشی از تماس با چوب را می توان شست، به خصوص وقتی چوب آلوده در دهن شخص چوبدار آن قدر فرو برده شود که خوردگی سال های پارینه اش را استفراغ نماید.

و این درست همان کاری بود که همکاران قلمی پورتال مقابل انسان بی آزرم و تهمت گری مانند "هاشمیان" می بایست انجام می دادند، که انجام دادند.

من در نوشته قبلی خود تعهد سپرده ام، تا زمانی که درست نویسی آنها سبکی را که پورتال "افغانستان آزاد - آزاد افغانستان" مراعات می نماید بر "هاشمیان" نقیولانده ام، نوشته هایش را از لحاظ محتوایی مورد مذاقه قرار نخواهم داد، زیرا بحث با یک انسان کم سواد را در شأن خود نمی بینم، هر چند شنیده ام در این اواخر این "از گور برخاسته تاریخ" و "ننگ جامعه روشنفکری افغانستان"، در نوشته هایش قواعد املائی را بیشتر از گذشته در نظر می گیرد، از آن جایی که مطمئن نیستم که چنین عملی کار خودش است و یا هم کار قابچین هایش، نمی خواهم وقتم را با بررسی نوشته هایش از لحاظ محتوایی ضایع بسازم. اگر این اصلاح املائی در نوشته هایش و اقعاً کار خودش است، ایکاش اینقدر شرف هم می داشت تا از من و سایر ویراستاران پورتال سیاست را بیان می داشت و آنها به دلیل اصلاح اغلاط املائی و انشائی اش. مگر "هاشمیان" کجا و شرف کجا؟؟